

بسم الله الرحمن الرحيم

خروج ترامپ از برجام

(ترجمه)



پرسش:

می‌دانیم که آمریکا دولت سازمان‌هاست و خطوط اساسی و پهن آن در سیاست‌های بین‌المللی، توسط سازمان‌های حاکم ترسیم می‌گردد و نه تنها شخص رئیس‌جمهور؛ اما چگونه است که آمریکا در خصوص پیمان هسته‌ای "برجام" با ایران به توافق رسید و آن را پیروزی بر شمرد و اینک ترامپ از آن بیرون رفته و او نیز این کارش را پیروزی می‌خواند؟

پاسخ:

بلی، این دقیق است که خطوط پهن و اساسی سیاست‌های بین‌المللی آمریکا توسط سازمان‌ها ترسیم می‌گردد و نه فقط شخص رئیس‌جمهور. هرچند اسلوبی که رئیس‌جمهور اتخاذ می‌کند، در عملی نمودن آن سیاست‌ها نقش برجسته‌ای دارد، اما آنچه که در پرسش از آن یاد نشد، که در حقیقت زیربنای اساسی سیاست‌های بزرگ آمریکا نیز به شمار می‌رود و نکته بنیادین پاسخ نیز هست، این است که منافع آمریکا، مهم‌ترین ارزشی است که دولت سازمان‌ها همواره به آن پایبند می‌باشند. بنابر این، هرگاه در شرایط مشخصی منافع آمریکا تقاضا کند، سازمان‌ها با آن موافقت نموده و رئیس‌جمهور نیز با آن موافقت می‌کند، و هرگاه این منافع تقاضا کند که آمریکا آن را لغو نماید، سازمان‌ها آن را لغو می‌کند و رئیس‌جمهور نیز با آن موافقت می‌کند. جزئیات بیشتر قرار ذیل است:

1- ایران برای امریکا به هدف محافظت از حکومت و نظام بشار اسد خونخوار، که مزدور امریکاست- تا یافتن بدیلی برای وی- از اهمیت زیادی برخوردار بود. امریکا از قیام‌های مردمی در سوریه سخت در هراس بود، زیرا این قیام‌ها شعار اسلام و حاکمیت اسلامی را سر می‌دادند. بناءً امریکا سخت نگران بود که مبادا این قیام‌ها، حکومت مزدورش در سوریه را سقوط داده و حاکمیت اسلام را به جای آن در سوریه برپا نمایند و به این ترتیب، امریکا نفوذ خویش را در منطقه از دست بدهد؛ به ویژه با توجه به این که قیام‌های مردمی در جریان سال 2015م به شدت رو به گسترش بوده و خیلی سریع از یک منطقه به منطقه دیگر سرایت می‌نمود. این جا بود که امریکا تصمیم گرفت تا نقش ایران را برجسته نموده و تحریم‌های اعمال شده علیه آن را بردارد، تا ایران بتواند نقش و مسئولیتی که برایش در نظر گرفته شده بود، به خوبی انجام دهد. بناءً مصلحت امریکا در این بود که توافق نامه هسته‌ای "برجام" را امضاء نماید تا موانعی که در برابر ایران قرار داشت، برطرف گردد. البته این توافق نامه‌ای بود که از هر نظر و بر اساس هر معیاری برای ایران ذلت‌آور و اهانت‌بار بود.

اظهارات رئیس جمهور امریکا در زمان امضای این توافقنامه در 14 جولای 2015م، روشن‌ترین گویای این واقعیت است، چنانچه او باما در بیانیه تلویزیونی که پس از امضای برجام داشت، گفت: «شک نکنید که این توافقنامه تمام راه‌های دستیابی ایران را به سلاح هسته‌ای می‌بندد. بر اساس این توافق؛ دو سوم دستگاه‌های پردازش مرکزی- که در ایران نصب گردیده- از آن بیرون کرده شده و زیر نظارت بین‌المللی به بیرون انتقال داده خواهد شد. 98 درصد یورانیوم غنی شده آن نابود خواهد شد. در صورت هرگونه تخلفی، تحریم‌ها مجدداً و خیلی سریع اعمال خواهد شد. آژانس بین‌المللی هسته‌ای اجازه خواهد داشت تا به گونه متداوم و در هر زمان و مکانی که نیاز باشد، از پایگاه‌های هسته‌ای ایران باز دید نماید.» (منبع: شبکه بی‌بی‌سی 14 جولای 2015م)

قبلاً به تاریخ 22 جولای 2015م و پس از تأیید توافقنامه برجام توسط شورای امنیت به تاریخ 20 جولای 2015م، هدف امریکا از امضای توافقنامه هسته‌ای را با ایران در قالب پاسخ به پرسشی توضیح داده بودیم؛ در آن جا گفته بودیم: «اگر تمام این موارد را با تحولات اخیر ارتباط دهیم، درخواهیم یافت که هدف پنهانی و پشت پرده امریکا از این معامله آنست که زمینه لغو تحریم‌ها بالای ایران را فراهم نموده و روابط علنی‌اش را با ایران گسترش دهد تا در نتیجه، ایران با بازی کردن نقشی که برایش ترسیم شده، کار امریکا را در منطقه آسان نموده و از فشارهایی که بالای آن وجود دارد، بکاهد و انگشت انتقاد دولت‌ها و مردم منطقه نیز از سوی امریکا کنار زده شود و به این ترتیب، ایران عملاً به اجرای سیاست‌های امریکا پردازد؛ چنانچه در عراق، سوریه و یمن جریان دارد، با این تفاوت که ایران این سیاست‌ها را در کشورهای یاد شده از پشت پرده عملی می‌کند، اما پس از این از پشت پرده‌ای شفاف و یا بدون هیچ نوع پرده‌ای به آن پردازد.» عملاً چنین هم شد؛ چنانچه دیدیم که ایران در سوریه، عراق و یمن، نقش کثیف و جنایتکارانه‌ای را به نفع امریکا- و این نقش را بسیار بارز و علنی، اما زیر نام‌های مقاومت و ایستاده گی دروغین و با تحریک احساسات منفور قومی و مذهبی- بازی نمود.

2- به این ترتیب، منفعت امریکا در آن زمان در این بود که چنان توافقنامه‌ای را امضاء نماید تا وضعیت اقتصادی ایران بهبود یافته و توان اجرای نقشه‌های امریکا را در منطقه به خوبی و با نشاط داشته باشد، اما در عین حال، امریکا مطمئن بود که لغو این تحریم‌ها

ضرری را متوجه امریکا نمی‌کند. وضعیت سوریه در آن زمان طوری بود که ممکن بود خیلی زود امریکا نفوذش را در حکومت بشار اسد از دست بدهد، زیرا نظام بشار اسد ستمکار در حدی تضعیف شده بود که هر لحظه ممکن بود سقوط کند. این‌جا بود که امریکا لازم دید تا برای حفاظت از بشار و حکومت‌اش، نقش ایران را برجسته و فعال نماید. بنابر این، توافقنامه هسته‌ای برجام را به تاریخ 14 جولای 2015م با ایران و به هدف برجسته نمودن نقش ایران در سوریه، به امضاء رسانید. سپس امریکا به ایران هم اکتفاء ننمود؛ بلکه روسیه را نیز با تجهیزات نظامی‌اش پس از دیدار او با پوتین به تاریخ 30 سپتامبر 2015م، وارد سوریه نمود تا هم‌نوا با ایران، از سقوط حکومت بشار اسد، تا ساختن بدیل مناسبی که بتواند به خوبی از عهدهٔ مزدوری امریکا بدر آید، جلوگیری کند.

2- اما در حال حاضر، دیدگاه امریکا تغییر نموده، زیرا وضعیت بشار اسد بهبود یافته و دست بالا را دارد و این باعث شده دیدگاه ادارهٔ حکومت ترامپ در زمینه تغییر کند، به ویژه با توجه به دست‌آوردهای مستقیم و غیرمستقیمی که امریکا در عراق و سوریه بر ضد مردم آزادی‌خواه این دو سرزمین داشته. به این ترتیب، دیگر نیازی نیست به ایران نقش اساسی و مستقیمی داده شود و این تغییر رویکرد، در اواخر حکومت او با ما ظاهر گردید؛ آنگاه که قرار شد نقش مستقیم در قضیهٔ سوریه به حکومت‌های ترکیه و سعودی سپرده شود، زیرا دسیسه و نیرنگ این دو حکومت علیه انقلاب سوریه، خطرناک‌تر و شدیدتر از سلاح‌های روسیه، ایران و حزب وابسته به آن و خود حکومت سوریه بود. زیرا ترکیه و سعودی با استفاده از دسیسه‌های خائنانهٔ شان از خود انقلابیون علیه خودشان استفاده می‌نمودند.

بناءً حکومت‌های ترکیه و سعودی توانستند زمینهٔ پیشرفت‌ها و پروزی‌های حکومت بشار اسد را با استفاده از اسالیب پیچیده و سردرگم کننده‌ای فراهم نمایند و این کار باعث شد که نقش ایران در قضیهٔ سوریه به گونهٔ طبیعی برگشت نماید؛ نقشی که ایران بر اساس آن اوضاع را به تنهایی و به گونهٔ پیش‌تازانه نسبت به ترکیه و سعودی اداره می‌نمود. به این ترتیب، امریکا تصمیم گرفته تا نه تنها نقش ایران در سوریه را از پیشگامی از آن پس بگیرد، بلکه به گونهٔ کامل به این نقش پایان دهد و این مسئله را می‌توان به گونهٔ واضح و روشن در توافقات به دست آمده در آستانه مشاهده نمود که بر اساس آن توانست از شدت انقلاب سوریه به بهانهٔ "کاهش تنش" بکاهد و این مسئله خود یکی از دلایلی به شمار می‌رود که امریکا در مقطع کنونی تصمیم گرفت تا از توافق هسته‌ای با ایران کنار برود؛ زیرا منافع امریکا تقاضا می‌کند تا از این توافق کنار کشیده و زمینهٔ شرایط جدید برای کاستن از نقش ایران را در منطقه فراهم نماید. با این حساب لازم بود ترامپ طوری وانمود کند که گویا این توافقنامه بیشتر به نفع ایران است تا بهانه‌ای باشد به این‌که هدف‌اش از بیرون رفتن از این توافق، این است که گویا ایران را کمک می‌کند که به سلاح هسته‌ای دست یابد.

بنابر این، ترامپ به تاریخ 8 جولای 2018م در جریان اعلان خروج امریکا از این توافق هسته‌ای با ایران در بیانیه‌ای تلویزیونی گفت: «تداوم این توافق به زودی باعث خواهد شد که در منطقهٔ خاورمیانه رقابتی بر سر دستیابی به سلاح هسته‌ای به راه بیفتد» وی افزود: «ایران هیچ کاری خطرناک‌تر از دستیابی به سلاح هسته‌ای انجام نداده.» وی گفت: «قرار بود این توافق امریکا و هم پیمانان آن را حفاظت نماید، اما دیده می‌شود، به ایران امکانات داده تا روند غنی‌سازی یورانیوم را هم‌چنان ادامه دهد.» ترامپ برای اغواء نمودن مخاطبین‌اش در ادامه گفت: «من هم حاضریم و هم توان این را دارم که هرگاه ایران آماده‌گی‌های لازم را داشته باشد، در مورد توافق جدیدی با آن بر سر میز مذاکره بنشینیم.» او افزود: «بعد از آن‌که با رهبران منطقه و جهان مشورت نمودم، به این نتیجه رسیدم که با این توافقنامه نمی‌توانیم از دستیابی ایران به بمب هسته‌ای جلوگیری نماییم. بناءً اعلان می‌کنم که من از توافقنامهٔ هسته‌ای با ایران کنار

می‌روم. این توافق هیچ تأثیری در جلوگیری از فعالیت‌های ایران در منطقه، که ادعای آن را می‌کند، ندارد. لحظاتی بعد یاد داشت اعمال مجدد تحریم‌ها علیه ایران را امضاء خواهم نمود.» او سپس از جایش بلند شده و آن یادداشت را امضاء کرد و افزود: «گفتگوها در مورد توافق هسته‌ای با ایران به گونه‌ی بد صورت گرفت. این توافقنامه مملو از عیب و نقص‌هایی است و ما باید در مورد آن کاری انجام دهیم. شرط‌های وضع شده در آن مورد قبول نیست و ما اینک پس از بیرون شدن از این توافق، در جستجوی راه‌حل دائمی، پایدار و فراگیر خواهیم بود. این توافقنامه یک فاجعه است و باعث شده حکومت تروریستی ایران میلیون‌ها دالر از آن به دست آورد.» (منبع: خبرگزاری اسپوتنیک و شبکه الجزیره 8 می 2018م)

اظهارات مملو از تکلف ترامپ به وضوح نشان می‌دهد که وی در آن مبالغه نموده و سعی داشت مخاطبین‌اش را از توانایی‌های ایران بهراساند تا خروج از توافق هسته‌ای را توجیه نماید، بدون این‌که به دلیل اصلی و واقعی این خروج اشاره‌ای داشته باشد و آن این‌که منافع آمریکا در حال حاضر تقاضا می‌کند تا نقش ایران را در منطقه محدود نماید، اما در عین حال آماده باشد تا به خواست‌های آمریکا لبیک گوید. در واقع سیاست آمریکا همواره چنین بوده و هست؛ سیاست‌هایش را بر اساس منافع خویش پیوسته تغییر داده و هیچ اهمیتی به طرف‌های مقابل نمی‌دهد. چنان‌چه با روسیه نیز درست همین سیاست را بازی نمود؛ پس از آن‌که اواما و پوتین به تاریخ 30 سپتامبر 2015م با هم دیدار نمودند و اواما پوتین را مؤظف نمود که جهت کمک به ایران در مسؤلیت حفاظت از بشار اسد، وارد سوریه شود، روسیه آماده شد تا چنین نقشی را بازی کند. روسیه به اجازه آمریکا وارد سوریه شد، اما پس از مدتی که روس‌ها تلاش نمودند با استفاده از فرصت و نقشی که دارند، طوری به جهان وانمود نمایند که انگار در این نقش هیچ وابسته‌گی به آمریکا نداشته و به گونه‌ی مختار و از آدرس قدرت خودشان در سوریه عمل می‌کنند، منافع آمریکا تقاضا نمود که روسیه را تأدیب نماید تا پایش را از گلیم خویش درازتر نکند.

به همین دلیل بود که حملات موشکی آمریکا صورت گرفت؛ چنان‌چه این مسئله را در پاسخ به پرسش 14 اپریل 2018م به جزئیات بیان نموده بودیم: «بدون شک حملات آمریکا بیشتر از این‌که به منظور نابود کردن سلاح‌های هسته‌ای سوریه باشد، به هدف تأدیب نمودن روس‌ها صورت گرفت، چنان‌چه صبح امروز ده موضع مورد هدف قرار گرفت، اما ارزیابی‌های آگاهان امور نظامی در رسانه‌ها که صبح امروز منتشر گردید، نشان می‌دهد که شمار بسیار کمی از مراکز هسته‌ای و با تحقیقاتی هدف قرار گرفته و بیشتر پایگاه‌های نظامی است که موشک باران شده.» به این ترتیب، دیده می‌شود که تغییر جهت سیاست آمریکا بر اساس منافع آن، یک امر معمول و شناخته شده است.

3- در عین حال، مسئله دیگری نیز هست که به خروج ترامپ از توافق هسته‌ای ارتباط داشته و منافع آمریکا به آن وابسته می‌باشد و آن؛ منحرف نمودن افکارعامه از اشغالگری‌های یهود در فلسطین و قدس است. آمریکا مدت‌هاست آماده‌گی‌های مقدماتی انتقال سفارت‌اش را به قدس روی دست دارد، اما منتظر بود پیشنهادش مبنی بر ایجاد دو دولت مستقل در فلسطین و تقسیم نمودن شهر قدس میان این دو دولت عملی گردد، اما اینک آمریکا به این نظر رسیده که باید به راه‌حل دیگری، غیر از ایجاد دو دولت، روی آورده شود و آن ادخال تعدیلات ورتوش و راه‌حل‌های دیگری که آن را "معامله قرن" می‌نامد. لازمه این راه‌حل‌های جدید این است که آمریکا تصمیم قبلی‌اش را مبنی بر انتقال دادن سفارت آمریکا به قدس عملی نماید، اما این کار باید با حساسیت کمتری صورت می‌گرفت.

بناءاً امریکا روی ایران تمرکز نموده و نقش آن را برجسته نمود، چنانچه به تاریخ 21 می 2017م کنفرانس بزرگی را با حضور حکام خائن سرزمین‌های اسلامی دایر نمود و ترامپ در آن و در میان نماینده‌گان 55 دولت حاکم در جهان اسلام سخنرانی نمود تا توافقات صلح میان رژیم یهود و نظام سعودی و سایر نظام‌ها را با استفاده از آن توجیه نماید. امریکا تا هنوز راه‌حل مشخصی را برای حل قضیه فلسطین مطرح ننموده، اما نظام عربستان سعودی را مؤظف نموده تا برای این راه‌حل اعلان نشده زمینه‌سازی نماید و بالای حکومت فلسطین فشار آورد تا با این راه‌حل موافقت کند. به این معنی که ترامپ سعی نمود توجه و افکارعامه را از جانب یهودیان اشغالگر فلسطین و سرزمین اسراء و معراج رسول الله ﷺ بر گردانده و آن را سرگرم دشمنی با ایران نماید و این مسئولیت را به سعودی سپرد تا برای اظهارات ترامپ زمینه‌سازی نموده و آن را توجیه نماید. بنابر این، منفعت امریکا در این است که مسئله توافقی هسته‌ای با ایران را در حال حاضر برجسته نماید و طوری وانمود کند که انگار این توافقی نیست که بیانگر ذلت ایران باشد، بلکه توافقی است که باعث شده ایران نیرومندتر شود؛ در حالی که هم ترامپ و هم هرکس دیگری به سختی می‌توانند توافقتنامه‌ای ذلت‌بارتری از این توافقی برای ایران پیدا نمایند.

در این اواخر دیده شد که امریکا سعی نمود طوری وانمود کند که دشمن و خطر بزرگ منطقه ایران است و نه رژیم یهود. به گونه مثال: زمانی که تظاهرات اخیر در ایران اتفاق افتاد، امریکا روی آن تمرکز نمود و آن را برجسته نمود، در حالی که همه می‌دانند که نقش ایران در منطقه، سیاستی است که توسط امریکا و با دقت کامل طراحی گردیده و برجسته نمودن تظاهرات اخیر ایران توسط امریکا و تمرکز روی آن قطعاً به هدف تغییر نظام ایران نه، بلکه به اهداف دیگری بود که ما آن را در پاسخ به پرسش مان در تاریخ 11 جنوری 2018م بیان نموده بودیم: «... پرسش این است که چرا امریکا در تظاهرات ایران گم‌شده‌اش را یافته و سعی دارد در جهت‌دهی آن سهم داشته باشد؟ پاسخ این است که امریکا این کار را به دو دلیل مهم انجام می‌دهد: ا- منحرف نمودن افکار عامه از جهت فلسطین و اظهارات ترامپ در مورد قدس و اشغال منطقه و مشغول نمودن آن به مسئله ایران، تا تبدیل به دشمن نخست در منطقه شده و توجه عموم بالای ایران متمرکز شود و از شدت آن نسبت به دولت یهود کاسته شده و یا کلاً به فراموشی سپرده شود. ب- ایجاد توجیهی برای بقای مزدوران امریکا در منطقه و وابسته‌گی آنان به امریکا، با این توجیه که آنان در برابر ایران ایستاده‌گی می‌کنند و امریکا آنان را در برابر خطر ایران پشتیبانی می‌کند.

اظهارات ترامپ مبنی بر این که قدس پایتخت دولت یهود است، بیانگر اوج شدت دشمنی‌اش با کسانی است که به اسلام ایمان دارند و این اظهارات باعث شد که موقف مزدوران امریکا در منطقه و خائنین امت در میان مسلمانان برگشت داشته باشد، زیرا قدس در عقل و قلب مسلمانان جای دارد و سکوت این حکام مزدور در برابر این اظهارات وی و تداوم مزدوری با امریکا و حفظ روابط و دوستی با آن، رسوائی بزرگی برای آنان است. بناءاً این حکام مزدور، اظهارات تند و تیز ترامپ علیه ایران را بهانه گرفته و با استفاده از آن، تداوم وابسته‌گی و مزدوری‌شان را به امریکا با آن توجیه می‌کنند و اظهارات وی را در خصوص قدس تحت شعاع آن قرار می‌دهند و ادعاء می‌کنند که ترامپ در برابر ایران، که دشمن لجوج و سرسخت ما می‌باشد، قرار می‌گیرد و از ما در برابر آن حمایت می‌کند، که این خود عذری بدتر از گناه است. ﴿فَاتْلَهُمْ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾.

4- شکی نیست که هسته مرکزی توافقنامه هسته‌ای با ایران امریکا بود و اروپا با ساختار آن توسط امریکا موافقت نموده و به این اکتفاء نمود که یکی از امضاءکنندگان آن باشد؛ یعنی قناعت نمود که به آن به صفت یک طرف اجازه داده شود تا در اخیر توافقنامه امضاء نماید. وضعیت و موقف اروپا را در جریان گفتگوها برسر توافق هسته‌ای در پاسخ به پرسش منتشر شده در تاریخ 22 جولای 2015م توضیح داده بودیم و پس از آن توضیح چنین گفته بودیم: «به این ترتیب، اروپائیان پی بردند که توان جلوگیری از توافق هسته‌ای امریکا با ایران را ندارند و یا نمی‌توانند بالای نفوذ امریکا تأثیر بگذارند. بناءً چاره‌ای جز این که طرف ایران را گرفته و خود را به آن نزدیک نمایند، نداشتند تا به این ترتیب به برخی از منافع دست یابند؛ منافعی که می‌توانند با سرمایه‌گذاری‌ها و راه‌اندازی برخی پروژه‌های اقتصادی در ایران، نصیب آنان می‌شود، به ویژه با توجه به این که در حال حاضر از فشارهای شدید اقتصادی رنج می‌برند و هم‌چنین با استفاده از این فرصت می‌توانند نفوذ اروپا و یا بخشی از آن را در درزآمدت و در کنار نفوذ امریکا در ایران، مجدداً برگردانند.» به این ترتیب، اروپا پیمان هسته‌ای با ایران را غنیمت شمرده و زمینه‌های تجارت با ایران را گسترش داد. حجم تجارت میان ایران و اروپا بالا گرفت و تعاملات تجاری آن با امریکا در جریان اعمال تحریم‌ها، کاهش یافت.

پس این سومین دلیلی بود که ترامپ را وادار نمود اقدام به لغو توافق هسته‌ای کند تا ضربه‌ای به اروپا، به ویژه در عرصه تجارت باشد. چنانچه ترامپ به تاریخ 7 می 2018م با پیامی که در تویتش منتشر نمود، گفت که وی تصمیم‌اش در خصوص توافق هسته‌ای با ایران را به جای 12 می، در 8 می، یعنی چهارروز زودتر اعلان خواهد نمود. هدف از جلو انداختن تاریخ اعلان تصمیم ترامپ این بوده که تلاش‌های اروپا را برای جلوگیری از خروج امریکا از توافق هسته‌ای بگیرد. چنانچه صفحه انترنتی "عربی جدید" به نقل از صفحه "اکسیوس" نوشت که: «مایک بومبیو وزیرخارجة امریکا به تاریخ 4 می 2018م، هم‌تاهای اروپائی‌اش را، اعم از فرانسه، انگلیس و آلمان در جریان تصمیم ترامپ در خصوص اعلان خروج امریکا از توافق، هسته قرار داد و این که وی تفاهم‌های صورت گرفته را با هیئت مذاکره کننده امریکا در جریان ماه گذشته در خصوص ایجاد تعدیلاتی در توافقنامه رد نموده و قصد دارد به صورت کامل از آن کنار برود.» پس دیده می‌شود که امریکا نه درخواست‌های اروپائیان را پذیرفت و نه هم حاضر شد با آنان در این زمینه تفاهم و همکاری نماید، بلکه بدون هیچ توجه و اهمیتی به آنان، تصمیم‌اش را در خصوص خروج از توافق اعلان نمود و این بیانگر آن است که امریکا محاسبات دیگری دارد که می‌خواهد اروپا را از آن دور نگهدارد و نه این که با آن همکاری نماید.

5- اروپا دریافت که لغو توافق هسته‌ای، پیش از خسارت‌های سیاسی، که برای آن خواهد داشت، خسارت‌های اقتصادی نیز به بار خواهد آورد. به همین دلیل بود که با تمام توان سعی نمود تا با ترامپ در ارتباط شده و وی را از خروج از توافق بازدارد، چنانچه ماکرون رئیس جمهور فرانسه به امریکا سفر نمود و تلاش کرد تا رئیس جمهور امریکا را از این تصمیم‌اش منصرف کند، اما ناکام شد. سپس میرکل نخست وزیر آلمان پا پیش گذاشت و هر دو حاضر شدند در این زمینه امتیازهایی به امریکا قائل شوند، اما امریکا نپذیرفت. در نتیجه، موقف اروپا ناتوان باقی ماند، سپس انگلیس دست به کار شد و با ماکرون و میرکل یکجا شده و هر سه کشور اعلان نمودند که به این توافق هسته‌ای پایبند خواهند بود و در پی آن جانسون وزیرخارجة انگلیس عازم امریکا شده و از آن جا اعلان نمود که جهان، با وجود این توافق امن‌تر خواهد بود و انگلیس‌ها با قوت تمام دست به کار شدند. ترامپ متوجه شد که بهتر است تاریخ اعلان موقف‌اش در این زمینه را از 12 به 8 می پیش کند تا راه را در برابر تحرکات اروپا کاملاً ببندد و این جا بود که موقف‌اش را بدون این که

به اروپائیان هیچ اهمیتی قائل شود اعلان نمود؛ زیرا سازمان‌های امریکائی به این نتیجه رسیده بودند که به دلایل سه گانه فوق‌الذکر، منافع امریکا تقاضا می‌کند تا این توافقنامه لغو گردد.

1- عکس‌العمل‌ها در برابر اعلان خروج امریکا از برجام قرار ذیل بود:

الف) اروپا اندوهگین و مملو از تأسف است. میرکل نخست وزیر آلمان در اظهاراتی گفت: «تصمیم رئیس‌جمهور امریکا در خصوص توافق هسته‌ای، رسواکننده و مایه‌تأسف و نگرانی است.» او افزود: «ما هم‌چنان به این توافق پایبند خواهیم بود و هرآن‌چه لازم باشد، برای پایبندی ایران به آن انجام خواهیم داد. آلمان این تصمیم را در هماهنگی با انگلستان و فرانسه اتخاذ نموده.» وی هم‌چنین افزود: «راه‌حل تنها در گفتگوی مشترک است و بس. اروپا مکلف است مسؤولیت بیشتری را در سیاست خارجه و امنیت متحمل شود.» او تأکید نمود: «آلمان تمام تلاش‌اش را به کار خواهد گرفت تا تهران را تشویق کند که به مسؤولیت‌هایش در قبال این توافقنامه وفادار بماند.» وی اشاره نمود که: «تهران تا کنون به آن وفا نموده، اما باید در این زمینه مشکوک بود و بهتر است در سطح وسیع‌تری بر اساس این موضوع گفتگو صورت گیرد». (منبع: خبرگزاری رویترز 9 می 2018م)

بنابر این، دیده می‌شود، میرکل اعلان می‌کند که در برابر امریکا ناامید شده و از پیامدهای خروج آن از این توافق، سخت نگران است. چنان‌که قبلاً تذکر دادیم؛ اروپائیان به بلندترین سطح ممکن تلاش نمودند تا ترامپ را از تصمیم خروج از برجام منصرف نمایند و سعی کردند به ترامپ پیشنهاد گفتگوهای مجدد با ایران را مطرح نمایند، اما وی به آنان گوش نداد، بلکه با پیش آوردن تاریخ اعلان خروج، آنان را غافل گیر نمود. به این ترتیب، اروپائیان در رویارویی با امریکا، اظهار ضعف و ناتوانی نمودند. سپس در جریان هفته دوم ماه می 2018م، اروپائیان اظهارات متناقضی از خود نشان دادند که بیانگر نگرانی و سرخورده‌گی آنان از خروج امریکا از برجام بود، چنان‌چه برخی طرف‌های اروپائی در اظهارات خویش، امریکا را چلنج دادند؛ مانند فیدریکو مدرونی مسئول امور خارجه و امنیت اروپا در اظهاراتی گفت: «من به گونه خاصی در مورد اعلان امشب (اعلان ترامپ) و اعمال تحریم‌های جدید نگرانم.» او افزود: «بدون شک اتحادیه اروپا مصمم است به این توافقنامه پایبند بماند. ما به کمک سایر جامعه جهانی، هم‌چنان به این توافق پایبند باقی خواهیم ماند.» (منبع: خبرگزاری رویترز 8 می 2018م)

جان اف لودریان وزیر خارجه فرانسه نیز فوراً پس از تصمیم ترامپ چنین گفت: «مطمئناً توافق هسته‌ای هم‌چنان زنده است و قرار است وزرای خارجه انگلستان، فرانسه، آلمان و ایران در روز دو شنبه آینده (14 می 2018م)، به منظور بررسی تحولات اخیر، کنار هم جمع شوند. در این دیدار روی برنامه موشک‌های بالستیک ایران و سایر قضایاء بحث صورت خواهد گرفت. اما در عین حال لازم است توافقنامه هسته‌ای باقی بماند و تأکید می‌کنم که آژانس بین‌المللی نیروی هسته‌ای تأیید می‌کند که ایران به توافق هسته‌ای احترام گذاشته.» (منبع: شبکه الجزیره 9 می 2018م)

انگلستان، فرانسه و آلمان موقف یک پارچه خویش را در بیانیه مشترکی این چنین اعلان نمودند: «ما به تداوم اجرای توافق پایبند بوده و با تمام طرف‌های ذیدخل به منظور تداوم اوضاع این‌گونه کار خواهیم نمود تا منافع اقتصادی‌ای که از آدرس این توافقنامه نصیب مردم ایران می‌شود، هم‌چنان محفوظ بماند.» (منبع: شبکه الجزیره 9 می 2018م) جون سون در برابر پارلمان کشورش چنین گفت: «تصمیم واشنگتن مبنی بر خروج از برجام، به هیچ‌وجه موقف ما را تغییر نخواهد داد. ما قصد نداریم از این توافق کنار بکشیم. ایالات متحده

را تشویق می‌کنم دست از هرکاری که باعث می‌شود سایر طرف‌ها را وادار کند که از این توافق کنار بکشند، بردارد، زیرا این توافق به نفع امنیت جمعی ماست.» (منبع: روزنامه گاردین 9 می 2018م) بناءً این موقف‌گیری‌ها نشان می‌دهد که اروپا آمریکا را چلنج داده و قصد دارد استقامت نماید.

از جانب دیگر؛ شمار دیگری از اروپائیان در اظهارات خویش تا حدودی برگشت و نرمی نشان داده و بیم این دارند که شرکت‌های شان با مشکلاتی مواجه شوند، چنان‌چه نوربرت رویتگن رئیس سیاست‌های بین‌المللی حزب میرکل گفت: «به سختی می‌توان بدون آمریکا به توافق هسته‌ای پایبند ماند، به ویژه با توجه به این‌که شرکت‌های اروپائی که تجارت با جانب ایران را ادامه می‌دهند، ممکن است در معرض تحریم‌های شدید آمریکا قرار بگیرند، که به هیچ‌وجه نمی‌توان بهای آن را جبران نمود.» او هشدار داده می‌افزاید: «با این حساب، شرکت‌هایی که بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند، به گمان اغلب خیلی زود از سرمایه‌گذاری صرف نظر نمایند و یا سرمایه‌های شان را به صورت کامل از این کشور بیرون بکشند.» (منبع: دیر شیبگل آلمان 9 می 2018م)

لودریان وزیر خارجه فرانسه نیز به تاریخ 9 می 2018م در شبکه "آر تی ال" گفت: «ایران موافقت نموده بود که در عوض اعمال تحریم‌ها علیه فعالیت‌های هسته‌ای آن، منافع اقتصادی را به دست آورد و اروپائیان تلاش خواهند نمود این منافع را حفظ نمایند. قرار است مسئولین در جریان روزهای آینده با شرکت‌های فرانسوی فعال در ایران دیدار نموده و در مورد چگونگی امکانات کمک به فعالیت‌های شان در ایران بحث و گفتگو نمایند تا بتوانند در حد ممکن از اقدامات آمریکا حمایت نمایند.» به این ترتیب، اروپائیان در خصوص سرنوشت درآمدهای اقتصادی خویش اظهار نگرانی کردند.

ب) موقف ایران در قبال خروج آمریکا از برجام تا حدی نسبتاً آرام به نظر می‌رسد، در عین حال ایرانی‌ها سعی دارند به اروپا روی نیاورند، چنان‌چه حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران، این تصمیم ترامپ را "جنگ روانی و فشار اقتصادی" خواند. وی گفت: «ما هرگز به ترامپ اجازه نخواهیم داد که در جنگ روانی و فشار اقتصادی‌اش بالای مردم ایران پیروز شود.» وی افزود: «شرط بقای ایران در برجام بدون حضور آمریکا این است که ایران در خلال چند هفته آینده مطمئن شود که امتیازات توافق را به صورت کامل و با ضمانت سایر طرف‌ها به دست می‌آورد. چند هفته دیگر قبل از تطبیق این تصمیم منتظر خواهیم نشست، با دوستان و هم‌پیمانان مان و با سایر طرف‌های دخیل در توافق هسته‌ای در این زمینه گفتگو خواهیم نمود. تمام بحث بر سر این است که آیا منافع ما تأمین خواهد شد یا خیر، اگر تأمین شود، به توافق پایبند خواهیم ماند، اما در صورتی که این توافق تنها یک ورق کاغذ بوده و منافع مردم ایران را تأمین نمی‌کند، در چنین صورتی راه ما روشن خواهد بود.» (منبع: تلویزیون رسمی ایران 9 می 2018م)

علی لاریجانی رئیس پارلمان ایران نیز گفت: «اروپا قبلاً به فشارهای آمریکا تن داده بود و این کار باعث شد تا بسیاری از شرکت‌های آنان بر اساس تحریم‌های قبلی جهانی در سال‌های 2012 و 2015م، از ایران بیرون بروند. نمی‌توان به اظهارات شان در مورد پایبندی به توافق هسته‌ای زیاد اعتماد نمود، اما بهتر است چند هفته‌ای منتظر مانده و آنان را امتحان کنیم تا برای جهان روشن شود که ایران تمام راه‌های دستیابی به راه‌حل سیاسی و صلح‌آمیز را امتحان نمود.» (منبع: دویچ ویله 9 می 2018م) بناءً ایران به موقف‌گیری‌های اروپائیان و ثبات‌شان اعتماد ندارد و از نگران منافع خود می‌باشد و در صورت اعمال تحریم‌ها با خسارت‌هایی مواجه خواهد گردید.



ج) اما روسیه تلاش نکرد موقف مخالف‌اش را با ترامپ با موقف‌گیری‌های اروپا هماهنگ نماید، بلکه موقف‌اش را به گونه‌ی جدا و مستقل اعلان نمود. چنان‌چه لاوروف وزیرخارجة روسیه در سخنانی گفت: «روسیه در مورد این تصمیم ترامپ به شدت اظهار ناامیدی می‌کند، هیچ توجیهی برای لغو این توافق هسته‌ای، که مؤثریت آن به خوبی روشن بود، وجود ندارد و نمی‌توان هیچ توجیهی برای آن پیدا نمود. روسیه آماده است همکاری‌هایش را با سایر طرف‌های دخیل در توافقنامه ادامه دهد و گسترش روابط‌اش را با ایران نیز ادامه خواهد داد.» (منبع: شبکه‌ی الجزیره 9 می 2018م)

روس‌ها با شرمندگی در خصوص همکاری با سایر طرف‌ها، یعنی اروپا صحبت می‌کند و با آنان ارتباط برقرار ننمود، چنان‌چه اروپائیان تصمیم گرفتند تا بدون حضور روس‌ها با ایران دیدار و گفتگو نمایند. پس موقف روس‌ها در وضعیتی نامتوازن قرار دارد؛ نه می‌توانند در این خصوص در کنار امریکا قرار گیرند، زیرا این کار با منافع و با سیاست‌های‌شان در قبال ایران در تناقض قرار دارد و نه می‌توانند در کنار اروپائیان قرار گیرند که سعی دارند روابط با روسیه را متشنج نمایند تا مبدا امریکا از آن علیه اروپا و منزوی نمودن آن استفاده نماید. روسیه چین موقف‌اش را از زبان نماینده‌ی ویژه‌اش در خاورمیانه، این چنین ابراز نمود: «تمام طرف‌های سهیم در توافق هسته‌ای با ایران باید به آن پایبند بوده و اختلافات‌شان را با گفتگو و مذاکرات حل و فصل نمایند. کشور ما آماده است با تمام کشورهای امضاء کننده‌ی این توافق همکاری نماید.» (منبع: شینخوا 9 می 2018م)

بنابر این، دیده می‌شود که چین با این اظهارات نرم‌اش، از دولت‌های اروپائی که با خروج از توافق مخالفت نمودند، طرفداری نکرد، بلکه موقف امریکا و اروپا را در یک سطح ارزیابی نمود. به دلیل ضعفی که چین در موقف‌گیری‌های بین‌المللی‌اش در قبال امریکا دارد، زیاد نمی‌شود روی آن حساب نمود، زیرا چینی‌ها در روابط‌شان با امریکا، تنها به تجارت می‌اندیشند و بس.

خلاصه این‌که هدف ترامپ از اعلان خروج از توافق هسته‌ای، این نبود که توافق هسته‌ای بیشتر به نفع ایران بوده و برای آن یک پیروزی تلقی می‌گردد و نه هم بالابردن شأن و شوکت ایران، بلکه واقعیت این توافق، که در زمان اوپاما امضاء گردید، طوری است که به صراحت بیانگر ذلت و کوتاه آمدن خجالت‌آور ایران از برنامه‌ی هسته‌ای آن می‌باشد و دلیل این‌که ترامپ اینک اعلان نمود که از آن کنار می‌رود، این است که منافع امریکا در حال حاضر تقاضا می‌کند که کنار بکشد، به دلیل عوامل سه گانه‌ای که در فوق تذکر داده شد.

الف) دیگر نیازی به نقشی که ایران، به ویژه در سال 2015م بازی می‌نمود، وجود ندارد.

ب) برجسته نمودن دشمنی امریکا با ایران، به ویژه در برابر سعودی و امثال آن تا این دشمنی با ایران، جای دشمنی با دولت یهود را پر کند.

ج) ادب نمودن اروپا، به ویژه از لحاظ تجارتي، زیرا اروپا با استفاده از این توافق، روابط تجارتي‌اش را با امریکا کاهش داده و در عوض این روابط را با ایران گسترش داده است.

شکی نیست که امریکا و غربیان کافر و مشرک، بسان گذشته‌گان‌شان، هیچ اهمیتی به عهد و پیمان خویش نداده و به وعده‌های‌شان پایبند نمی‌مانند، بلکه عهد و پیمان‌های‌شان را هربار نقض کرده و هیچ پروائی ندارند. آنان کجا و ارزش‌های بلند اسلام و احکام آن کجا، که وفا به عهد و پیمان را واجب قرار داده؟ الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾

[مائده: 1]

*ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادهای خود وفا کنید!*

جهان امروز سخت در آتش فساد، ظلم و بیداد کفار، که شامل انسان‌ها، حیوانات و حتی نباتات می‌شود، می‌سوزد و واقعاً که بشریت امروز سخت نیازمند دولت اسلام (خلافت اسلامی) را شده برمنهاج نبوت است، خلافتی که به عهد و پیمان‌هایش پایبند بوده و عدالت و امنیت را در میان مردم می‌گستراند.

پس ای مسلمانان! کمر همت بر بسته و در راستای برپایی این نظام الهی سعی و تلاش نمائید، زیرا عزت، بزرگی و استواری شما در گرو چنین دولتی است و بس. رسول الله صلی الله علیه وسلم با عبارتی مختصر و مملو از حکمت، خلیفه را برای امت اسلامی به سان سپری می‌داند که از آن در برابر هرگونه بدی و ضعف و ذلت، نگهداری می‌کند. حضرت ابوهریره از پیامبر ﷺ چنین نقل می‌کند.

«إِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ يُقَاتَلُ مِنْ وَّرَائِهِ وَيَتَّقَى بِهِ»

(رواه مسلم)

*ترجمه: امام سپری است که مسلمانان در پی او به مبارزه پرداخته و به او پناه می‌برند.*

27 شعبان 1439 هـ.ق

13 می 2018 م